

## محبوبیت جهانی فاطمه اطهر(س)

### «نقش محبوبیت زن در تربیت فرزند»

#### سیر بحث:

امروز باید در جامعه جهانی بیشتر بر «محبوبیت» حضرت زهرا(س) تأکید کنیم. کافی است محبت شما به حضرت زهرا(س) به گوش مردم عالم برسد. «محبت» زبان مشترک همه دنیاست؛ می‌توانیم با نمایش محبوبیت حضرت زهرا(س) از همه مردم جهان دلبری کنیم. اگرچه در دین ما محبت نقش کلیدی دارد اما راه افزایش محبت، توجه به این است که ما چقدر محبوب اهل بیت هستیم. محبوبیت مادر و همسر در خانواده آثار و برکات تربیتی و معنوی فراوانی دارد و مهم ترین راه افزایش محبت اهل بیت، جا انداختن محبت خدا و خوبان است.

#### محبوبیت فاطمه اطهر(س) محور ولادت و شخصیت حضرت زهرا(س)

ولادت و شخصیت حضرت زهرا(س) برای ما یادآور مفاهیم بسیار مهم و کلیدی است که در تاریخ اسلام جایگاه بسیار مهمی دارد و علاوه بر زندگی فردی و رابطه شخصی ما با اهل بیت(ع) زندگی اجتماعی ما را نیز تحت تأثیر قرار دهد. ارتباط با این مفاهیم، برکات و فوائد زیادی برای اهل معنویت دارند. در میان این مفاهیم، «محبوبیت» حضرت زهرا(س)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برای ما حامل معارف عمیق دینی است.

محبت حضرت زهرا(س) در انسان‌ها بسیار تأثیرگذار است؛ و می‌توان آن را محور فرض کرد. نص صریح قرآن هم به این محبوبیت و ابراز این محبت اشاره دارد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا

إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من هیچ پاداشی از شما بر انجام رسالتم نمی‌خواهم، مگر دوست داشتن نزدیکانم.» [۱]

### لزوم تأکید بر محبوبیت حضرت در «جامعه جهانی»

در حال حاضر ما در جامعه جهانی و در فضایی زندگی می‌کنیم، که دشمنان فراوانی داریم و ادیان زیادی شاهد دینداری ما هستند. و گاهی مشاهده می‌کنیم که بر علیه اسلام، فیلم می‌سازند و اسلام را دین خشن و غیر انسانی معرفی می‌کنند. در چنین شرایطی تأکید بر کدام مفهوم از شخصیت حضرت زهرا(س)، در جامعه جهانی اثرگذارتر است؟ با توجه به فضای موجود، کدام حرف ما بیشتر مورد توجه جهانیان قرار خواهد گرفت؟

«محبّت» زبان مشترک همه دنیاست. محبت، یک موضوع فرادینی، فرامذهبی و فرافرهنگی است. یکی از چیزهایی که مرز ندارد، محبت است. این‌را همه دنیا می‌فهمند که «یک کسی را دوست داشتن» قشنگ است و لذّت دارد؛ قیمت دارد. اینکه «امّتی هستند که «مادر»ی را در حدّ اعلا دوست دارند و چنین با شکوه از او ستایش می‌کنند؛ اینکه این قدر به او عشق می‌ورزند که حاضرند برای او بمیرند...» این برای همه زیبا و دیدنی است. همه دوست دارند این محبت را ببینند. می‌توانیم با نمایش این محبوبیت حضرت زهرا(س)، از همه مردم جهان دلبری کنیم.

### محبت، ندای فطرت

أَمَّا إِنَّكَ جِئْتَ «انسان» به راحتی با محبت همه چیز را می‌فهمد و محبت برای همه قابل درک است، باید گفت که خدا انسان را اینگونه خلق کرده است. امام محمد باقر(ع) فرمودند که «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؛ آیا دین چیزی جز محبت است؟» [۲] از آنجا که اولاً دین چیزی جز محبت نیست؛ ثانیاً دین، مفطور به فطرت الهی «انسان» است؛ می‌توان گفت «انسان» چیزی جز

محبت نیست. جایگاه محبت در انسان، امری فطری است. لذا شما می‌توانید با مرام محبت، عالم را فتح کنید. محبت اکسیر عجیبی است.

در عالم شخصیتی بمانند حضرت زهرا(س) اصلاً وجود ندارد؛ تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و اساطیر و افسانه‌های جهان بشریت، هرگز نتوانسته‌اند حتی در ابعاد بسیار بسیار کوچکتر، شخصیتی دوست داشتنی مثل حضرت زهرا(س) را بسازند. ما این شخصیت بزرگ را داریم. چنین شخصیت والایی که اگر تمام درختان، قلم و دریاها مرکب شوند که در محبت حضرت زهرا(س) شعر سروده شود و مطلب نوشته شود باز هم کم است. ما همین مقدار اطلاعات اندکی که از زندگی ۱۸ ساله این بانوی بزرگوار داریم، می‌توانیم در عالم غوغا کنیم، پس چرا به این مسأله نپردازیم؟

کافی است محبت شما به حضرت زهرا(س) به گوش مردم عالم برسد. اگر این محبت را بشنوند و ببینند، می‌گساران پیاله‌ها را بر زمین می‌کوبند، رقصان از رقص بازمی‌ایستند و آوازه خوانان سکوت می‌کنند تا محبت شما به حضرت زهرا(س) را به تماشا بنشینند.

### لزوم تأکید بر محبوبیت حضرت در «جهان اسلام»

در جهان اسلام، اختلافی بر سر محبوبیت حضرت زهرا(س) نیست. در جهان اسلام هم، مصلحت ایجاب می‌کند که محبوبیت حضرت زهرا(س) را مطرح کنیم؛ ایشان دختر پیامبر(ص) است و ما چه شیعه و چه سنی، دوستش داریم. محبوبیت حضرت زهرا(س) در جهان اسلام به‌گونه‌ای است که حتی یکی از مفتی‌های وهابی که حکم ارتداد شیعه را داده بود، به محبت نسبت به حضرت زهرا(س) اعتراف داشت. در جهان اسلام حتی کسانی که نسبت به مظلومیت حضرت، حرف‌هایی دارند، نسبت به محبوبیت ایشان اعتراض ندارند و حتی خود را مدافع این محبوبیت هم می‌دانند.

امروز جامعه اسلامی هم، به محوریت محبوبیت حضرت زهرا(س)، نیاز دارد. محبت به حضرت زهرا(س) دستور صریح قرآن است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من هیچ پاداشی از شما بر انجام رسالتم نمی‌خواهم، مگر دوست داشتن نزدیکانم.» [۳] به دستور قرآن، محبت به اهل بیت پیامبر و حضرت زهرا(س) به عنوان مزد و اجر رسالت آخرین پیامبر، معرفی شده است. این تأکید قرآن، یکی از وجوه مشترک شیعه و سنی است؛ بنابراین محبت حضرت زهرا(س) می‌تواند محور وحدت شیعه و سنی در مقابل دشمنان اسلام قرار گیرد. «تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ» [۴] بیایید بر آن وجه مشترک خودمان تأکید کنیم؛ وجه مشترک ما فاطمه(س) است.

سألها قبل مقام معظم رهبری فرمودند: «اهل بیت و محبت اهل بیت، محور وحدت شیعه و سنی است.» [۵] این، نکته بسیار ظریف و هوشمندانه‌ای است؛ علی‌رغم تصور خیلی‌ها، اهل بیت مهمترین محور وحدت مذاهب اسلامی هستند.

امروزه به دلیل شرایط خاص جهان اسلام و نیز شرایط خاص جهان بشریت، ما نیاز داریم به اینکه، به محبوبیت حضرت زهرا(س) بپردازیم. نه اینکه مصلحت اندیشانه از حقایق پیرامون مظلومیت ایشان عقب‌نشینی کنیم. مظلومیت حضرت زهرا(س) بیرق پرافتخار و فتح‌آور تشیع و از سرحدات معارف شیعی است، و یک وجب هم نباید از آن عقب‌نشینی کرد. اما شرایط جامعه جهانی و جامعه اسلامی ایجاب می‌کند که بر محوریت محبوبیت ایشان، تأکید بیشتری بورزیم. و به این ترتیب زمینه لازم برای طرح مباحث مربوط به مظلومیت را فراهم آوریم و اثر آن را بیشتر کنیم.

## نقش «محبوبیت» حضرت زهرا(س) در «رشد» و «اصلاح» جامعه شیعی

در جامعه مؤمنانه ما، محور باید محبوبیت باشد. بنا به دستور صریح قرآن باید فاطمه (س) را دوست داشت و این محبت را ابراز کرد. جامعه مؤمنانه ما به این رشد نیاز دارد. ما باید خود را آموزش دهیم و تربیت کنیم، که فقط برای امام مظلوم اشک نریزیم و نسوزیم. ما می‌خواهیم در رکاب امام زمانی بمیریم که در اوج اقتدار خواهد بود. مگر بناست فقط برای هر امامی که مظلوم واقع شد کار کنیم و بمیریم؟

محبوبیت حضرت زهرا(س)، فقط اولویت جامعه جهانی، و جامعه اسلامی نیست. جامعه شیعی ما نیز باید همچنان بر طبل محبت حضرت زهرا(س) بکوبد. فرهنگ شیعی ما، عطشناک این محبوبیت است. در فرهنگ جامعه ما، آن چیزی که خوب دیده می‌شود «احترام» به حضرت است. اما احترام را با «محبوبیت»، اشتباه نگیریم. این محبوبیت هنوز در جامعه ما جای کار دارد. افزایش این محبوبیت در بین افراد جامعه، بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی ما را حل خواهد کرد.

## اصلاح رفتار و منش زنان جامعه

وضع حجاب، رفتار و منش زنان جامعه و تربیت خانواده‌ها از مسائلی است که با رواج «محبوبیت» در جامعه به سهولت اصلاح خواهد شد. اما اینکه چه رابطه‌ای میان رواج محبوبیت و حل مشکلات جامعه وجود دارد، بر می‌گردد به رابطه‌ای که میان «محبت»، «عمل» و «معرفت»، وجود دارد:

«محبت»، اصلاح‌کننده «عمل» و عامل «معرفت»: این حرف صحیحی نیست که ما نسبت به حضرت زهرا(س) به قدر کافی «محبت» و علاقه داریم، پس حالا باید برویم نسبت به ایشان

«معرفت» کسب کنیم و از ایشان درس بگیریم تا بتوانیم در «عمل»، پیرو ایشان باشیم. چه کسی گفته است میان «محبت» و «عمل» باید واسطه‌ای به اسم «معرفت» قرار داد؟ «محبت» خود عامل پیروی و عمل است.

مقصود، انکار ارزش «علم» و «معرفت» نیست. ما به «معرفت» هم نیاز داریم. اما در کنار توصیه به محبت، به توصیه‌ای مستقل برای کسب معرفت نیاز نداریم. کسی که می‌گوید من حضرت زهرا(س) را دوست دارم، اما رفتارش در عمل مثل ایشان نیست، مشکلی این نیست که به یک دوره آموزشی نیاز دارد؛ مشکلی این است که حضرت زهرا(س) را «کم» دوست دارد. باید بیشتر او را دوست داشته باشد تا مثل او بشود. نمی‌خواهد به او توصیه کنیم که «برو حضرت زهرا(س) را بشناس»، بلکه باید به او بگوییم: «حضرت زهرا(س) را بیشتر دوست داشته باش.» البته افزایش معرفت، خودش می‌تواند به عنوان یکی از راه‌ها و ابزارهای بالا بردن محبت عمل کند.

الان هیچ بچه شیعه‌ای در جامعه ما نیست که اسم پسرش را یزید بگذارد؛ سرش را هم ببری این کار را نمی‌کند؛ چرا؟ آیا در کلاس کسب معرفت شرکت کرده است که این کار را نمی‌کند؟ یا همان مقدار «محبتی» که به اباعبدالله الحسین(ع) در دل او هست نمی‌گذارد این کار را بکند. همین «محبت» اقتضا می‌کند که برخی از رفتارها در جامعه محال باشد.

خب در مورد بی‌حجابی هم همین است؛ اگر «محبت» نسبت به حضرت زهرا(س) در میان زنان ما افزایش بیابد، بی‌حجابی به همین صورت محال می‌شود.

### بالا رفتن سطح معنوی زنان

زنان نیمی از جامعه نیستند؛ همه جامعه‌اند. زنان به دلیل تأثیر ویژه‌ای که در خانواده و تربیت فرزندان دارند، نقشی حساس‌تر و ویژه‌تر از مردان جامعه دارند. به همین دلیل بیشتر از مردان هم به رشد معنوی نیاز دارند. ارتباط آنها با حضرت زهرا(س) به سهولت آنها را به قلّه معنویت

خواهد رساند. کافی است با رواج محبوبیت حضرت زهرا(س)، زنان جامعه به ایشان نزدیک تر شوند. کافی است با رواج محبوبیت حضرت زهرا(س) زمینه توجه زنان به ایشان بیشتر شود. وقتی عظمت این محبوبیت در جامعه رواج پیدا کند، زنان از اینکه یک زن در دین این قدر اهمیت دارد و این قدر مورد علاقه و احترام جامعه است، احساس «هویت» خواهند کرد؛ در نتیجه دینداری و معنویت برای آنها راحت تر خواهد بود.

### بالا رفتن اقتدار جامعه

خداوند آخرین پیامبرش را با «رعب» نصرت کرد: «وَنَصَرَهُ بِالرُّعْبِ» [۱۰] در مقابل دشمنانشان که می ایستادند خداوند چنان ابهتی به پیامبر و لشکریانشان می داد که رعب و ترس، دشمنان پیامبر را فرا می گرفت. خداوند وعده داده است که آخرین امامش را هم با «رعب» نصرت بدهد. [۱۱] در روایات داریم که رعب در دل دشمنان، زمینه پیروزی سریع لشکریان حضرت را فراهم خواهد کرد. [۱۲]

این رعب از چه چیزی پدید می آید؟ اگر دقیق نگاه کنیم می بینیم که: رعب، از شجاعت پدید می آید و شجاعت از قلب محکم؛ و قلب که وسعتش به اندازه عرش الهی است، وقتی محکم خواهد شد که از «محبت» به مولا پُر شده باشد. این «محبت» است که اگر تشدید بشود، به انسان قدرت فداکاری و شجاعت در راه محبوب و خواسته های او را می دهد. وقتی «محبت» وجود تو را فرا گرفت، به راحتی فدای محبوت می شوی؛ در نتیجه «شجاعت» در دل تو موج خواهد زد و همین شجاعت، «رعب» در دل دشمن ایجاد خواهد کرد.

امروز نیز جامعه ما برای ایستادگی در مقابل دشمنانش به این «رعب» نیاز دارد. پیروزی ما بر دشمنان ما با همین «رعب» امکان پذیر خواهد بود. با ابهت مقام محبت ما به مولایمان، دشمن جرأت تعدی به ما را پیدا نخواهد کرد.

## «محبت» اصلاح کننده «عمل» و «اندیشه» آحاد جامعه

ممکن است گفته شود که در جامعه ما دیگر محبوبیت حضرت زهرا(س) جا افتاده است و باید به دنبال کسب «معرفت» نسبت به حضرت زهرا باشیم؛ باید به دنبال این باشیم که «عمل» خود را درست کنیم و در عمل پیرو ایشان باشیم.

۱. «محبت»، مصلح عمل: کسی که عملش ضعیف است، دلیلش این است که محبتش کم است. نباید برای عمل، توصیه مستقل کرد. توصیه به محبت کافی است. به خانمها نباید گفت که: شما حضرت زهرا(س) را دوست دارید پس بیایید یک کار دیگر هم انجام دهید و حجابتان را هم درست کنید. این توصیه، یک غلط مشهور است. باید به خانمها این گونه گفت: شما که حضرت زهرا(س) را دوست دارید، اگر بیشتر دوستش می داشتید، حجابتان هم خود به خود درست می شد.

۲. «محبت»، عامل کسب معرفت: جامعه دینی ما اگر نیاز به معرفت بیشتر نسبت به حضرت زهرا(س) دارد، باز هم باید «محبت» را افزایش بدهد. محبت، معرفت ساز است. پیامبر گرامی اسلام(ص) می فرماید: «بچه های من را دوست داشته باشید، خدا به شما حکمت می دهد.» [۱۳] حکمت، که گمشده مؤمن است [۱۴]، حکمت که یعنی بدون معلّم، عالم شدن است، با «محبت» اهل بیت(ع) به دست می آید.

## لزوم تأکید بر محبوبیت حضرت در «جان ما»

از نظر فردی و درونی، پرداختن به محبوبیت اجر و قرب فراوانی دارد و بیشتر ما را مقرب می سازد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به سلمان فرمود: ای سلمان! محبت فاطمه در صد جا سودمند است که آسان ترین آنها هنگام مرگ و ورود به قبر، هنگام سنجش اعمال و بر

انگیخته شدن و گذر از پل صراط و محاسبه اعمال است؛ مَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ وَ مَنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ یا سلمانُ حُبُّ فَاطِمَةَ يَنْفَعُ مِائَةَ مِنْ الْمَوَاطِنِ أَيْسَرُ تِلْكَ الْمَوَاطِنِ الْمَوْتُ وَالْقَبْرُ وَ الْمِيزَانُ وَالصَّرَاطُ وَالْمَحَاسِبَةُ...؛ ای سلمان! هر کس فاطمه دختر مرا دوست بدارد او با من در بهشت است و هر کس او را دشمن بدارد او در آتش است. ای سلمان! حُبُّ فاطمه علیها السلام» در صد جایگاه از مواطن سود می دهد. آسان ترین آن مواطن مرگ و قبر و میزان و صراط و محاسبه است.» [ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۹۴]

### «یک اصل طلایی» در اصلاح دل

دل، غرفه‌های متعددی دارد که جای محبت‌های متنوع و صفات متنوع است. هم محبت‌ها و صفات خوب و هم محبت‌ها و صفات بد که با هم درگیر می شوند. گاهی محبت به یک خوبی تو را به سمت خود می کشد و گاهی محبت به یک بدی. تغییر دل کار سختی است. تغییر دل کار کسی جز خود دل نیست. اصل طلایی اصلاح دل این است که: غرفه‌های دل به هم ربط دارند؛ اگر یک خوبی در دل تقویت بشود، این خوبی، بدی‌ها را از غرفه‌های دیگر بیرون خواهد کرد. البته اگر یک بدی هم در دل تقویت شود، عکس این تأثیر را خواهد داشت.

در روایات داریم که اگر یک نقطه نورانی در دل وجود داشته باشد، این نقطه کم کم سیاهی‌های دل را از بین می برد تا جایی که دیگر هیچ سیاهی در دل نمی ماند؛ و اگر یک بدی در دل تقویت بشود، مثل یک سلول سرطانی تکثیر می شود و همه دل را فرا می گیرد. [۱۵] خیلی عجیب است. اگر در دل یک خوبی پدید بیاید، خودش عامل «تزکیه» است؛ و چه خوبی بالاتر، بهتر و تأثیرگذارتر از محبت به حضرت زهرا (س).

خداوند می‌فرماید «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ؛ پیامبر امت خود را پاک می‌کند و به آنها علم و حکمت می‌آموزد» [۱۶]، معنای «يُزَكِّيهِمْ» چیست؟ آیا معنایش این است که پیغمبر (ص) برای مردم کلاس اخلاق بگذارد؟ به آنها توصیه اخلاقی بکند؟ اگر مقصود، درس اخلاق باشد که می‌شود همان «يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»؛ «يُزَكِّيهِمْ» یعنی پیغمبر دلشان را می‌برد و با این دلبری و به واسطه این محبتی که مردم به او که اسوة خوبی‌ها است پیدا کرده‌اند، آنها را پاک می‌کند.

وقتی انسان به اسوة خوبی‌ها محبت پیدا کرد، کم‌کم این محبت در غرفه‌های دیگر دل هم اثر می‌گذارد. کم‌کم «محبت به خوبی‌ها» هم در دل انسان رونق می‌گیرد. کم‌کم بدی‌ها هم از دل انسان رخت برمی‌بندد. لذا محبت به پیامبر و اهل بیت او پاک‌کننده است: «وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَبِئاً لِّخَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِّأَنْفُسِنَا وَ تَزَكِيَةً لَّنَا وَ كَفَّارَةً لِّذُنُوبِنَا؛ و آنچه را که خداوند از دوستی شما برای ما مقرر کرده است، موجب پاکیزگی خلقت ما، و پاکی جان‌های ما، و پاک‌کننده‌ای برای ما، و پوشاننده گناهان ما است.» [۱۷]

محبت حضرت زهرا(س) را در دلتان افزایش دهید تا پاک شوید. یک اصل طلایی برای رسیدن به این محبت این است که این محبت را از امیرالمؤمنین(ع) تمنا کنید. امیرالمؤمنین(ع) خیلی محبان و ارادتمندان به صدیقه کبری(س) را دوست دارد. می‌دانید چرا؟ چون آن روزی که به فاطمه‌اش جسارت کردند، علی تنها بود...

خدا از کسی ولایت‌پذیری ظاهری را قبول نمی‌کند. اینکه در «ظاهر» در مقابل حکم رسول خدا و امیرالمؤمنین بگویی «چشم»، اما در «باطن» ته دلت به این حکم راضی نباشد، هیچ ارزشی نزد خدا ندارد. خدا به خودش در قرآن قسم خورده است که چنین کسی ایمان ندارد. خداوند فقط تسلیم واقعی را می‌پذیرد؛ تسلیمی از صمیم دل: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَزَجًا مِّمَّا قُضِيَتْ وَیُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ نه، سوگند به پروردگارت که ایمان نیاورند، مگر آنکه در نزاعی که میان آنهاست تو را داور قرار دهند و از حکمی که تو می‌دهی هیچ ناخشنود نشوند و سراسر تسلیم آن گردند.» [۱۸]

خُب معلوم است که تسلیم واقعی و راضی بودن به حکم ولی خدا از ته دل، با محبت درست می‌شود. اینکه در ته دلت هیچ سختی از حکم رسول خدا احساس نکنی، فقط با محبت به دست می‌آید. خیلی باید پیامبر(ص) و اهل بیتش را دوست داشته باشی و این محبت را لایه لایه در درون خودت افزایش بدهی تا به «یُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» برسی.

لذا تا در محضر امام زمان(ع) قرار نگرفته‌ایم، باید محبت خود به اهل بیت را افزایش بدهیم تا به این ولایت‌پذیری قلبی برسیم. اهل بیت خودشان ما را ترسانده‌اند، فرموده‌اند قبل از ظهور، خودتان را آماده کنید.

خورشید اگر به گُل بتابد، شکوفه‌های آن را معطر می‌سازد و اگر به مردار بتابد، فضا از بوی تعفن آن پُر خواهد شد. خورشید ولایت هم اگر از پس پرده غیبت در بیاید و یک دستور صادر بکند، کسی که یک ذره «انانیت» در گوشه قلبش باشد، بوی تعفن آن انانیت بلند خواهد شد.

## «محبت»؛ تنها عامل رهایی از عجب و خودبینی

خیلی سخت است که آدم به اینجا برسد که خوبی‌های خودش را نبیند و دچار عُجب نشود. حتی آدم‌های خوب، در خطر ابتلاء به عجب قرار دارند. تنها چیزی که انسان را از این افتادن به این مهلکه نجات می‌دهد، «محبت» است. محبت نه تنها بدی‌های انسان را می‌سوزاند، که شرحش گذشت، خوبی‌های انسان را هم در نظر خود انسان می‌سوزاند. فقط «عاشق»ها هستند که هر چه خوبتر می‌شوند، افتاده‌حال‌تر می‌شوند و بیشتر احساس نداری در مقابل محبوب می‌کنند. تنها چیزی که انسان را از «منیت» نجات می‌دهد، آتش محبت است. عاشق که شدی فقط محبوب را می‌بینی؛ دیگر «خودت» را نمی‌بینی. عاشقی که هیچ وقت نماز شبش ترک نشده باشد، وقتی یاد نماز شب‌های حضرت زهرا(س) می‌افتد، اصلاً نماز شب‌های خودش را از یاد می‌برد گویی اصلاً نماز شب نخوانده است؛ می‌گوید در مقابل نماز شب‌های محبوب، نماز شب‌های من هیچ است. آتش محبت همه نمازهایش را در نظرش می‌سوزاند. هیچ چیز به جز «محبت به اهل بیت(ع)» و در رأس آنها محبت به مادرشان حضرت زهرا(س)، نمی‌تواند انسان را از عجب نجات دهد. هیچ چیز به جز محبت، انسان را پاک نمی‌کند.

لذا همه نیاز به «محبت» دارند. «محبت اهل بیت» اکسیر اعظم است؛ و البته تأثیر حبی که ام‌الائمه می‌تواند در دل‌های پاک مؤمنان داشته باشد، بیش از تمام امامان ماست. این مطلب مثل روز روشن است؛ بالاخره، حضرت زهرا(س) مادر است و مادر ارتباط حبی‌اش یک چیز دیگر است.

## تأکید دین بر محبوبیت آن حضرت

در دین ما نیز تأکیدات و سفارشات زیادی بر محبوبیت حضرت زهرا(س) وجود دارد. خداوند در قرآن به محبت اهل بیت پیامبر(ص) دستور داده است و این محبت را اجر رسالت پیامبر

اکرم(ص) معرفی می‌کند: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من از شما مزدی را نمی‌خواهم جز مودّت با نزدیکانم.» [۱۹] بنا به دستور قرآن، باید فاطمه(س) را دوست داشت.

### محبوبیت حضرت زهرا(س) در نزد پیامبر

شخص پیامبر گرامی اسلام(ص) محبّت ویژه‌ای به فاطمه(س) داشتند که به هیچ کس دیگری چنین محبّتی را نداشتند. همه می‌دانند که پیامبر(ص)، حضرت زهرا(س) را خیلی دوست داشتند و در رفتار هم این محبّت را نشان می‌دادند. پیامبر(ص) جلوی پای فاطمه‌اش بلند می‌شد و جای خود را به او می‌داد. [۲۰] تنها درباره او فرمودند که من بوی بهشت را از فاطمه‌ام استشمام می‌کنم. [۲۱] پیامبر(ص) در مورد ایشان فرموده است: «فِدَاهَا أَبُوهَا؛ پدرش به فدایش» [۲۲]

آتش محبت، نه تنها بدی‌های انسان را می‌سوزاند باید خوبی‌ها انسان را هم بسوزاند؛ بسیاری از اوقات، آن چیزی که از ما بروز می‌کند، «احترام» به حضرت زهراست، نه «محبّت» به ایشان. حواسمان باشد اشتباهی نگیریم. «محبّت»، چیزی فراتر از ادب و احترام است. در روایت داریم که ادب، عیب انسان را پنهان می‌کند [۲۳]، انسان مؤدب ممکن است حتی از چیزی زیاد خوش نیاید اما طوری رفتار می‌کند که این خوش نیامدنش زیاد معلوم نیست. نکند ادبمان نسبت به اهل بیت، عیبمان، که همان کم دوست داشتن اهل بیت است، را پنهان کند.

محبّت به اهل بیت(ع) خیلی بیشتر از اینها می‌تواند در درون ما افزایش یابد. هیچ وقت به محبّت‌هایی که به اهل بیت داریم اکتفا نکنیم. محبّت به اهل بیت(ع) خصوصاً محبت به حضرت زهرا(س) از حداقل‌هایی شروع می‌شوند و تا حدّ بی‌نهایت می‌تواند رشد داشته باشد.

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «لَوْ أَحَبَّنِي جَبَلٌ لَتَهَاقَتْ؛ اگر کوه من را دوست داشته باشد، از هم می‌پاشد.» [۲۴] این اثر محبت است. محبت این قدر جا دارد تا ما را بگشود در راه حضرت زهرا (س). از خودمان انتظار داشته باشیم. ما می‌توانیم با محبت به حضرت زهرا (س) به اوج مقام‌های معنوی نائل شویم. رزمندگان دوران دفاع مقدس را می‌دیدیم که چگونه با ارتباط خصوصی و محبت‌آمیز و قشنگی که با حضرت زهرا (س) داشتند، به اوج معنویت می‌رسیدند.

خداوند وقتی به چیزی امر می‌کند، لوازم آن را هم فراهم می‌کند. وقتی دستور می‌دهد که اهل بیت پیامبر را دوست داشته باشید، زمینه این محبت را در قلب ما و در فطرت ما قبل از آن فراهم کرده است.

ما باید محاسبه کنیم نفس خودمان را که چقدر حضرت زهرا (س) را دوست داریم. محبت یک رابطه‌ای با صفای باطن انسان دارد. ما به مقدار گناهانمان، از محبت حضرت زهرا (س) فاصله می‌گیریم. محبت به ایشان، «ظرفیت» می‌خواهد و این ظرفیت با «تهذیب نفس» افزایش می‌یابد.

**مهم‌ترین راه افزایش محبت فاطمه (س): توجه به اینکه ما محبوب حضرت زهرا (س)**

**هستیم**

اما مسئله مهم این است که ما چطور می‌توانیم محبت و محبوبیت حضرت زهرا (س) را در دل خودمان و جامعه بالا ببریم؟ یکی از مهم‌ترین راه‌های افزایش محبت حضرت زهرا (س) این است که ما چقدر محبوب حضرت زهرا (س) هستیم؛ حضرت را در مقام یک مادر قرار دهیم. یادمان باشد که مادر همیشه به فرزند خود محبت دارد. و اگر فرزند چیزی از او بخواهد دریغ نمی‌کند. در اعتقادهای ما هست که جبرئیل اخبار ما مسلمانان را تا قیامت به مادرمان

می‌دهند. [۲۵] چرا حضرت باید از ما اطلاع داشته باشند؟ مادر است دیگر، نگران فرزندانش است.

شما بدون توجه به اینکه چقدر محبوب اولیای الهی و خدا هستی نمی‌توانی عاشق و محب خدا و اولیای خدا شوی. آیا واقعاً راهی اصیل‌تر و سریع‌تر برای افزایش محبت به خوبان و خدا به‌غیراز این وجود دارد؟ شما نگاه کنی چقدر امیرالمؤمنین تو را دوست دارد. حضرت زهرا(س) چقدر تو را دوست دارد. آدم دیگر نه مغرور محبتش می‌شود نه مأیوس می‌شود که آقا ما کجا و اینکه برویم محبت اهل بیت را در حد اعلی افزایش دهیم؟! شما مستقیم بروی سراغ محبت اهل بیت بدون توجه به اینکه چقدر پیش اهل بیت محبوب هستی، ممکن است مغرور شوی. اما اگر به میزان محبت‌های که امام زمان(عج) به تو کرده نگاه کنی دیگر شرمنده می‌شوی.

از اهل بیت پرسیدند چرا اعمال ما را خدا به شما عرضه می‌کند و شما خبردار می‌شود؟ فرمود: برای اینکه برای شما استغفار کنیم. برای اینکه رسیدگی کنیم. ما لا اقل هفته‌ای دو مرتبه بر اساس برخی از روایات، اعمال ما به امام زمان (ارواحنا له الفداه) عرضه می‌شود. [۲۶] هیچ پدر و مادری شاید هفته‌ای دوبار درس‌های بچه‌شان را از مدرسه پیگیری نکنند ولی امام زمان این کار را می‌کنند. بعد ایشان چرا این کار را می‌کنند؟ وظیفه اداری است؟ تیک باید بزنند؟

ایشان که نمی‌خواهد تجسس کند. ایشان واقعاً نگران ما است. ما چون امام نیستیم حس یک امام را نمی‌فهمیم. همانطور که تا مادر نشویم، پدر نشویم، حس یک پدر یا مادر را حس نمی‌کنیم. و ما چون هیچ‌وقت امام نمی‌شویم، هیچ‌وقت نمی‌فهمیم امام زمان چقدر به ما علاقه دارند. حداقل منطق آن را بفهمیم اگر لمس نمی‌کنیم، شهود نمی‌کنیم. پس آن چیزی که در دین ما خیلی راه رسیدن و افزایش محبت است، توجه به میزان محبوبیت ما نزد اهل بیت است.

به امام رضا علیه السلام گفتیم: مرا از دعا فراموش مکن. حضرت فرمود: «گمان می‌کنی که من فراموش می‌کنم؟». اندکی در خودم اندیشیدم و با خود گفتم: او برای شیعیانش دعا می‌کند و من نیز از شیعیانم هستم. آن‌گاه گفتم: نه، فراموشم نمی‌کنی. فرمود: «از کجا فهمیدی؟». گفتم: من از شیعیانم هستم و تو برایشان دعا می‌کنی. فرمود: «آیا متوجه چیز دیگری جز این شدی؟». گفتم: نه. فرمود: «هرگاه خواستی بدانی که نزد من چه جایگاهی داری، بین من نزدت چه جایگاهی دارم؛ قُلْتُ لِأَيِّ الْحَسَنِ ع لَا تَسْنِي مِنَ الدُّعَاءِ قَالَ أَوْ تَعْلَمُ أَنِّي أَنْسَاكَ قَالَ فَتَفَكَّرْتُ فِي نَفْسِي وَقُلْتُ هُوَ يَدْعُو لِشِيعَتِهِ وَأَنَا مِنْ شِيعَتِهِ قُلْتُ لَا لَا تَسْنَانِي قَالَ وَكَيْفَ عَلِمْتَ ذَلِكَ قُلْتُ إِنِّي مِنْ شِيعَتِكَ وَإِنَّكَ لَتَدْعُو لَهُمْ فَقَالَ هَلْ عَلِمْتَ بِشَيْءٍ غَيْرِ هَذَا قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ مَا لَكَ عِنْدِي فَانْظُرْ إِلَى مَا لِي عِنْدَكَ.» [۲۷]

امیرالمؤمنین (ع) به یکی از دوستانش فرمود: حالت خوب نیست، طوری شده است؟ او گفت: بله، بیمار هستم. حضرت فرمود: می‌دانی وقتی حال شما بد می‌شود حال ما هم به‌خاطر شما بد می‌شود. وقتی شما مریض می‌شوید ما به‌خاطر شما مریض می‌شویم؟ او پرسید: آیا فقط نسبت به ما دوستان اطراف خودتان این‌گونه هستید یا به عموم دوستان خودتان؟ حضرت فرمود: به عموم دوستان مان هر جای عالم که هستند، این‌گونه هستیم (دَخَلَ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ فَرَأَى صُفْرَةً فِي وَجْهِهِ قَالَ مَا هَذِهِ الصُّفْرَةُ فَذَكَرَ وَجَعًا بِهِ فَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّا لَنَفْرَحُ بِفَرَحِكُمْ وَنَحْزَنُ لِحُزْنِكُمْ وَنَمْرُضُ لِمَرَضِكُمْ وَنَدْعُو لَكُمْ فَتَدْعُونَ فَتَوَمَّنْ قَالَ عَمَرُو قَدْ عَرَفْتُ مَا قُلْتَ وَلَكِنْ كَيْفَ نَدْعُو فَتَوَمَّنْ فَقَالَ إِنَّا سَوَاءٌ عَلَيْنَا الْبَادِي وَالْحَاضِرُ) و (... فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ هَذَا لِمَنْ مَعَكَ فِي الْقَصْرِ أَرَأَيْتَ مَنْ كَانَ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ قَالَ يَا زُمَيْلَةُ لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَلَا فِي غَرْبِهَا؛ همان) و بعد امیرالمؤمنین (ع) فرمود: و خدای ما بیشتر از شما را دوست دارد. [۲۸]

در جامعه ما چگونه این طرح توجه به محبویت که موجب افزایش محبت ما به اهل بیت می شود اتفاق می افتد؟ به وسیله زن؛ زن منشا انتشار محبویت در جامعه است. زن از طرفی محور محبویت در خانواده است. یعنی پدر خانواده و فرزندان در حد اعلی مادر را دوست دارند. حضرت هم فرمود: « قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أَحِبُّكِ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛ اگر مردی به زنش بگوید دوست دارم هرگز این حرف از قلب او بیرون نمی رود.» بعد شما می بیند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنثَاءِ أَزَافٌ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ؛ خدا با زنان مهربانتر از مردان است.» اقا! اگر به کسی خواستی التماس دعا بگی اول به مادرت بعد به خانمت بگو، بعد به دخترت التماس دعا بگو، خدا زودتر جواب تو را می دهد. بعد فرمود: «کادو برای بچه هایت خریدی اول بده به دخترت» [۲۹] یعنی این نیاز طبیعی زنان به محبویت بیشتر به رسمیت شناخته شده است. پس به طور طبیعی محبویت به سمت زن از ناحیه مرد سرازیر شود.

آن وقت بهترین راه برای تربیت فرزند سرازیر شدن این محبت سرشار در وجود مادر به سمت فرزندان است. بهترین راه برای تربیت فرزند حفظ محبویت مادر در خانه اولاً توسط مرد است. در چنین خانواده اگر مادری به بچه ها گفت من دلم می شکند اگر اینکار را نکنید. بچه ها هم حرمت محبت و محبویت مادر را حفظ خواهند کرد. چرا؟ چون پدر این جایگاه محبویت را تقویت کرده است.

وقتی مادری بچه را غرق محبت کرد، از شدت محبویتی که پیدا کرده آن را خرج تربیت فرزند کرد، شما بتوانی می توانی محبت خدا را برای بچه جا بیندازی. مادران می شوند نماینده خدا برای درک محبت خدا. «یکبار یک کسی یک پرنده ای را چند تا جوجه پرنده را گرفت، گفت چقدر جوجه های نازنین هستند، ببرم این را پیش پیغمبر. یک دفعه ای مامانش آمد مامانش هم دور

سر این دور می‌زد. گفت می‌برم برای پیغمبر حالا آن هم دارد می‌آید دیگر. آمد گذاشت جلوی پیغمبر. رسول خدا فرمود بروید کنار بروید کنار! دید مادرش را. مادر آمد خودش را انداخت روی جوجه‌ها. پیامبر اکرم فرمود دیدید این پرنده مادر چه خودش را به خطر انداخت؟ به خاطر جوجه‌اش. جوجه‌هایش را دوست دارد؟ همه گفتند بله. فرمود خدا شما را از این مادر بیشتر دوست دارد.» [۳۰]

«یکبار دیگر هم یک مادری بچه‌اش را گم کرده بود بچه شیری خودش را، پیدا کرد وسط جنگ ضجه می‌زد! گرفت بچه‌اش را شروع کرد شیر دادن. پیامبر فرمود بیایید بیایید اینجا! این مامان بچه‌اش را دوست دارد؟ همه گفتند بله معلوم است گشت خودش را برای بچه‌اش. فرمود بچه‌اش را حاضر است بیندازد توی آتش؟ گفتند یا رسول الله آقا این چه حرفی است؟ قطعاً نمی‌اندازد. فرمود خدا از این مادر به شماها مهربان‌تر است.» [۳۱] ببیند حضرت از محبت مادر استفاده کرد تا محبت خدا را نشان دهد.

نه تنها محبت خدا را می‌توان برای بچه جا انداخت وقتی مادر محبوب شد و محبت کرد، بلکه تازه معنای امام را می‌فهمد. مگر امام رضا(ع) امام مثل مادر مهربان برای طفل شیرخوار است. [۳۲] دیدی مادر دور بچه شیرخوارش می‌گردد. چقدر مهربان هست؟ یکی از اشتباهات مادران این است که به سادگی از سر محبت گاهی به بچه خودش می‌گویند دیگر دوست ندارم. مادر! بچه باور می‌کند که دیگر مادر او را دوست ندارد. دیگر به بچه نمی‌شود حرف امام رضا(ع) را توضیح بدهیم که امام شبیه مادر است. او می‌گوید کدام مادر؟ همان مادر بی رحم من؟!

اما یادمان باشد که مادران بالاخره باید یک زمانی بچه را از محبت خودشان جدا کنند و به سمت جامعه و به سمت خدا بفرستند. سپردن فرزند به جامعه از رفقا شروع می‌شود. بعد مادران می

خواهند بچه را از سر محبت برای خودشان نگه دارند. حتی زمانی که بزرگ شده است به خاطر محبت شدید به فرزندش حاضر نیست اجازه دهد بچه اش ازدواج کند. این محبت مادرانه با همه قیمتی دارد باید مراقبت کرد که چنین آسیبی به بچه نزنند.

من به فدای محبت حضرت زهرا(س) بشوم، که در سخت ترین شرایط همراه ماست. قرآن می فرماید: «يَوْمَ تَرَوْنها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ ما هُمْ بِسُكَارَى وَ لَكِنَّ عَذابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ؛ روزی که آن را می بینید، (آن چنان وحشت سراپای همه را فرامی گیرد که) هر مادر شیردهی، کودک شیرخوارش را فراموش می کند؛ و هر بارداری جنین خود را بر زمین می نهد؛ و مردم را مست می بینی، در حالی که مست نیستند؛ ولی عذاب خدا شدید است!» [۳۳] در چنین روزی فقط یک مادر هست که بچه های خودش را فراموش نمی کند رها نمی کند و آن حضرت زهرا(س) است. امام باقر «علیه السلام» فرمود: «به خدا سوگند ای جابر! در روز قیامت حضرت فاطمه مثل پرنده ای که دانه خوب را از بد جدا می سازد، شیعیان و دوستان خود را جدا می کند نجات می دهد. هنگامی که شیعیانش با آن حضرت نزدیک در بهشت می رسند خداوند در دل آنان می افکند که برگردید و بنگرید! همین که برگشته توجه می کنند، خدای متعال می فرماید: ای دوستان من! چرا برگشته اید؟ با این که من در بین شما دختر حبیبم را به شفاعت پذیرفته ام؟ میگویند: پروردگارا! دوست داریم که قدر و منزلت ما در چنین روزی شناخته شود. خداوند متعال می فرماید: برگردید و ببینید چه کسی شما را به خاطر دوستی فاطمه دوست داشته است. ببینید چه کسی شما را به خاطر محبت فاطمه اطعام کرده است، بنگرید چه کسی شما را به خاطر دوستی فاطمه لباس پوشانده است، بنگرید چه کسی به خاطر دوستی فاطمه یک بار شما را سیراب کرده است، بنگرید چه کسی غیبتی را از شما به خاطر دوستی فاطمه برگردانده است، دستش را گرفته او را داخل بهشت کنید! ؛ والله یا جابر! إِنَّها ذلک الیوم (یعنی القیامة) لَتَلْتَقِطُ شِیعَتَها وَ مُجِیْها کما یَلْتَقِطُ الطَّیْرُ الْحَبَّ الْجَدِیدَ مِنْ

الْحَبِّ الرُّدِّي، فَإِذَا صَارَ شَيْعَتُهَا مَعَهَا عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ يُلْقَى اللَّهُ فِي قُلُوبِهِمْ أَنْ يَلْتَفِتُوا، فَإِذَا انْتَفَتُوا  
 فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: يَا احِبَائِي مَا انْتَفَتُكُمْ وَ قَدْ شَفَعْتُ فِيكُمْ فَاطِمَةُ بِنْتُ حَبِيبِي؟ فَيَقُولُونَ: يَا  
 رَبِّ! أَحْبَبْنَا أَنْ يَعْرِفَ قَدَرْنَا فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ. فيقولُ اللهُ: يَا احِبَائِي اِزْجِعُوا وَ انْظُرُوا مَنْ أَحَبَّكُمْ  
 لِحُبِّ فَاطِمَةَ، انْظُرُوا مَنْ أَطْعَمَكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ، انْظُرُوا مَنْ كَسَاكُمْ لِحُبِّ فَاطِمَةَ، انْظُرُوا مَنْ  
 سَقَاكُمْ شَرْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ، انْظُرُوا مَنْ رَدَّ عَنْكُمْ غَيْبَةً فِي حُبِّ فَاطِمَةَ، خُذُوا بِيَدِهِ وَادْخُلُوهُ  
 الْجَنَّةَ» [٣٤] ببینید محبت فاطمه اطهر (س) چه آثاری در دل و جان ما دارد.

منبع: لزوم تأکید بر «محبوبیت» حضرت زهرا(س) / استاد پناهیان، دسترسی در:  
<http://panahian.ir/post/> «۳۶۸۲»

.....

منابع:

[۱] قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۲۳

[۲] کافی، جلد ۸، صفحه ۷۹

[۳] قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۲۳

[۴] «بیابید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است». قرآن کریم، سوره آل عمران، آیه

۶۴

[۵] مسلمانان می توانند بر دو محور محبت به اهل بیت (ع) و نیز آموزش دین و تعلم معارف و احکام الهی از زبان اهل بیت اتفاق نظر و اتحاد داشته باشند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت کنندگان در کنفرانس جهانی اهل البیت (ع)، ۱۳۶۹/۳/۴)

[۶] امام علی (ع) -: «وقتی عالم بمیرد، رخنه‌ای در دین پدید می‌آید، که تا روز قیامت هیچ چیز آن را پر نمی‌کند» محاسن، جلد ۱، صفحه ۲۳۳

[۷] کافی، جلد ۱، صفحه ۲۷۰، باب فی ان الائمة محدثون

[۸] وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «لَوْ لَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع تَزَوَّجَهَا لَمَا كَانَ لَهَا كُفُوٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ: اگر امیرالمؤمنین علی (ع) — او را به همسری بر نمی‌گرفت، برای او کفو و همتایی بر روی زمین نبود. از حضرت آدم بگیر تا آخر»، خصال شیخ صدوق، جلد ۲، صفحه ۴۱۴

[۹] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي؛ فَاطِمَةُ پارهٔ تن من است.»، العمده، صفحه ۳۸۴

[۱۰] امام صادق (ع) -: «... و خداوند او را با رعب یاری کرد.»، کافی، جلد ۲، صفحه ۱۷

[۱۱] «عن ابی جعفر ع: ... وَأَمَّا شَبِيهُهُ مِنْ جَدِّهِ الْمُصْطَفَى ص فَخَرُوجُهُ بِالسَّيْفِ وَ ... وَأَنَّهُ يُنْصَرُّ بِالسَّيْفِ وَ الرُّعْبِ»، کمال الدین، جلد ۱، صفحه ۳۲۷

[۱۲] امام باقر (ع) -: «... وَ يَسِيرُ الرُّعْبُ قُدَّامَهَا شَهْرًا؛ و رعب در پیشاپیش او، به فاصله یک شهر، می‌رود»، بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۳۶۰

[۱۳] «مَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيُحِبِّ أَهْلَ بَيْتِي»، بحار الانوار، جلد ۲۷، صفحه ۱۱۶

[۱۴] امام صادق (ع) -: «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ»، کافی، جلد ۸، صفحه ۱۶۸

[۱۵] «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً مِنْ نُورٍ وَ فَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَ وَكَّلَ بِهِ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ وَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ سُوءًا نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً سَوْدَاءَ وَ سَدَّ مَسَامِعَ قَلْبِهِ وَ وَكَّلَ بِهِ شَيْطَانًا يُضِلُّهُ ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَ مَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ»، کافی، جلد ۱، صفحه ۱۶۶

[۱۶] قرآن کریم، سوره جمعه، آیه ۲

[۱۷] مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره، و نیز: من لایحضره الفقیه، جلد ۲، صفحه ۶۱۳

[۱۸] قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۶۵

[۱۹] قرآن کریم، سوره شوری، آیه ۲۳

[۲۰] «رَوَوْهَا عَنْ عَائِشَةَ أَنَّ فَاطِمَةَ كَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص قَامَ لَهَا مِنْ مَجْلِسِهِ وَقَبَّلَ رَأْسَهَا وَ أَجْلَسَهَا مَجْلِسَهُ؛ از عائشه نقل شده که هنگامی که فاطمه س بر پیامبر داخل می شد، حضرت از جای خود بلند می شدند و سر او را می بوسیدند و او را در جای خود می نشانند.»

المناقب، جلد ۳، صفحه ۳۳۳

[۲۱] «فَأَنَا أَشْمُ مِنْهَا زَائِحَةَ الْجَنَّةِ»، علل الشرائع، جلد ۱، صفحه ۱۸۳

[۲۲] امالی صدوق، صفحه ۲۳۴

[۲۳] «حسن الأدب يسترقح النسب»، غرر الحکم، صفحه ۲۴۸، حدیث ۵۱۱۰

[۲۴] نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۱۱

[۲۵] کافی، جلد ۱، صفحه

[۲۷] همان، جلد ۲، صفحه ۶۵۲.

[۲۸] بصائر الدرجات، جلد ۱، صفحه ۲۶۰.

[۲۹] کافی، جلد ۶، صفحه ۶.

[۳۰] ابن هشام قبل از این هم از جابر نقل می کند که: ما نزد رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که یکی از یاران آن حضرت در حالی که جوجه پرنده ای را در دست داشت، پیش آمد.

رسول الله صلى الله عليه و آله آن را نگاه می کرد که ناگهان پدر و مادرش یا یکی از آنها آمد و خودش را در دستان کسی انداخت که جوجه اش را گرفته بود. مردم با دیدن این منظره تعجب کردند و رسول الله صلى الله عليه و آله فرمود: آیا از اقدام این پرنده تعجب می کنید؟ جوجه اش را گرفتید و او به خاطر محبت و عطوفت به جوجه اش خود را به روی او انداخت! و به خدا قسم که پروردگار شما از این پرنده نسبت به جوجه اش با شما مهربان تر و دلسوزتر است.

[۳۱] پیامبر گرامی اسلام (ص) در جریان یکی از جنگ ها، مادری را دید که در بحبوحه میدان نبرد و در گرمای شدید آفتاب، فرزندش را در آغوش گرفته و فارغ از همه جا، دارد به او شیر می دهد، در این حال پیامبر اکرم (ص) به یاران خود فرمود: «آیا از مهربانی این مادر نسبت به فرزندش تعجب می کنید؟! قطعاً محبت خداوند به شما بندگان از محبت این مادر به طفل شیرخوارش بیشتر است (انّه اوقف صبي... فقال: أعجبتم من رحمة هذه ابنها، إنّ الله أرحم بكم جميعاً من هذه بابنها؛ رياض السالكين / ج ۲ / ص ۱۷۲)

[۳۲] امام رضا (ع) : «الإمام ... كالأُمِ الْبَرَّةِ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ» (تحف العقول ص ۴۳۹)

[۳۳] حج، ۲.

[۳۴] تفسیر فرات کوفی، صفحه ۲۹۹.